

Living with veteran fathers: analyzing the psychological and emotional needs in daughters of veterans (A phenomenological study)

Anahita Khodabakhshi-Koolae^{1*}, Sama Najmi-Sadegh²

¹ Assistant Professor, Department of Psychology and Education, Faculty of Humanities, Khatam University, Tehran, Iran

² M.Sc. in Family Counseling, Department of Counseling and Psychology, Tehran North Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Received: 15 July 2019 Accepted: 8 October 2019

Abstract

Background and Aim: Although there is quantitative research on the impact of war on psychological, social and emotional aspects of veterans, there is little qualitative research on the effect of war in veterans' family and life. The aim of this research was to analyze the psychological and emotional needs in daughters of veterans.

Methods: This is qualitative research with descriptive phenomenology approach, which was done in 2018. Data gathering was done by semi-structured interview. Participants were daughters of veteran father in Martyrs and Veterans Foundation, Tehran, Iran. The research data reached theoretical saturation by interviewing 19 daughters. The data were analyzed using Colaizzi's seven-step content analysis method.

Results: Qualitative analysis showed that the psychological and emotional needs of girls were obtained in four main themes, namely: "suffering and negative experiences in life, feelings of happiness and pride in having a veteran father, negative and biased viewpoint from society, interaction of father's values and beliefs with daughter". The main theme or concept was "living in the stages of suffering and honor".

Conclusion: The father's physical and psychological conditions affect the physical and mental health of the family and lead to a decrease in effective family interaction with each other. There is a sharp conflict between the sense of pride in having a veteran father on the one hand and the feeling of mental exhaustion in despair and sadness on the other as experienced by their daughters.

Keywords: Emotional and Psychological Needs, Daughters, Veterans, Qualitative Research.

*Corresponding author: Anahita Khodabakhshi-Koolae, Email: a.khodabakhshid@khatam.ac.ir

زندگی با پدر جانباز: واکاوی نیازهای روان شناختی و عاطفی دختران جانبازان (رویکردی پدیدارشناسانه)

آناهیتا خدابخش کولایی^{۱*}، سما نجمی صادق^۲

^۱ استادیار، گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه خاتم، تهران، ایران

^۲ کارشناس ارشد مشاوره خانواده، گروه مشاوره و روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

زمینه و هدف: هر چند که پژوهش‌های از نوع کمی بیشماری به تاثیر جنگ بر جنبه‌های روان شناختی، اجتماعی و عاطفی جانبازان پرداخته شده است، اما پژوهش‌هایی که به تاثیر زندگی با جانبازان بپردازد در ادبیات پژوهشی جنگ و جانبازی بسیار اندک هستند. هدف از پژوهش حاضر بررسی واکاوی نیازهای روان شناختی و عاطفی دختران جانبازان پیرامون زندگی با پدر جانباز بود.

روش‌ها: این پژوهش کیفی و با رویکرد پدیدارشناسی توصیفی در سال ۱۳۹۷ انجام شد. برای جمع آوری اطلاعات از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته صورت گرفت. شرکت کنندگان در این پژوهش دختران جانبازان بودند که به بنیاد شهید و امور ایثارگران شهر تهران مراجعه کرده بودند. داده‌های پژوهش با مصاحبه با ۱۹ دختر به اشباع نظری رسید. برای روش تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوای هفت مرحله ای کلایزی استفاده شد.

یافته‌ها: تحلیل‌های کیفی نشان داد که نیازهای روان شناختی و عاطفی دختران در قالب چهار مضمون اصلی به دست آمد که به ترتیب شامل؛ "رنج دیدگی و تجربه‌های منفی در زندگی، احساس شادمانی و غرور از داشتن پدر جانباز، نگاه منفی و غرض ورزانه از سوی جامعه و تداخل ارزشها و باورهای پدر با دختر". درون مایه یا اصلی ترین مفهوم "زندگی در وهله‌های از رنج و افتخار" به دست آمد.

نتیجه‌گیری: شرایط جسمانی و روان شناختی پدر بر سلامت جسمی و روانی خانواده تاثیر می‌گذارد و به کاهش تعامل مؤثر اعضای خانواده با یکدیگر می‌انجامد. تعارض شدید بین حس افتخار از داشتن پدری جانباز از یک سو و احساس خستگی روانی به دلیل ناامیدی و غم از سوی دیگر در دختران جانبازان تجربه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: نیازهای روان شناختی - عاطفی، دختران، جانبازان، پژوهش کیفی.

مقدمه

جنگ به عنوان پدیده‌ای ناخواسته اثرات بلندمدت و کوتاه مدتی بر جنبه‌های مختلف زندگی فردی، اجتماعی، عاطفی و خانوادگی در افراد بازمانده از جنگ و جانبازان می‌گذارد (۱). همچنین، جانبازان به دلیل شرایط خاص، ممکن است در معرض آشفتگی‌های هیجانی همچون افسردگی، اضطراب و اختلال پس از ضربه قرار بگیرند (۲). این آشفتگی‌های هیجانی می‌تواند بهزیستی و سلامت روان شناختی اعضای خانواده آنها را تحت تاثیر قرار دهد. هر چند که ممکن است این اثرات به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در تعامل با همسر و فرزندان باشد (۱). در پژوهشی Ray و همکاران انجام دادند به این نتیجه دست یافتند که، خشم و انزوا یا طرد عاطفی از بیشترین هیجانهای منفی است که افراد جانباز در ارتباط با همسر و فرزندان خود بروز می‌دهند و در بسیاری از موارد فرزندان احساس بی تفاوتی و سردی عاطفی را در ارتباط خود به ویژه با پدر تجربه می‌کنند (۳). پژوهش‌های دیگر نشان می‌دهند که، فرزندان جانبازان به عنوان کسانی که تعامل مستقیمی با وی دارند سطح استرس نسبتاً بالاتری در مقایسه با سایر هم‌تایان خود که پدری جانباز ندارند تجربه می‌کنند (۴، ۵). در خانواده جانباز، مشکلات روان شناختی و اجتماعی بسیاری وجود دارد که بخشی از آنها در ارتباط فرد جانباز با تعامل با همسر و فرزندان است (۴). بار مراقبتی روانی و عینی از فرد جانباز که به تبع نوع و درجه جانبازی آن متفاوت است از یک سو و نیازهای روانی و عاطفی فرزندان که به دلایل در اولویت بودن بیماری و مشکلات پدر جانباز در مراتب بعدی اهمیت قرار می‌گیرد (۶). با افزایش سن فرزندان و تعامل آنها با جامعه نیازهای جدیدتری نیز در آنها شکل می‌گیرد که بخش عمده ای از آنها عمدتاً به دلیل شرایط پدر خانواده بی پاسخ می‌ماند (۷). فرزندان جانبازان به عنوان افراد نسل دوم خانواده جانباز، دائم در معرض داستان‌ها، نگرشها و تصوراتی از جنگ در زندگی روزمره شان بوده اند. این تکرار سانحه آسیب زا به طور مستمر در خانه توسط پدر تکرار می‌شود و افراد هم تحت تاثیر تجارب زیسته پدر قرار می‌گیرند. این اثرات در تمام نسل‌های بازمانده از جنگ، قتل عام‌ها، نسل‌کشی‌ها و تخریب‌های گسترده جامعه بشری رخ می‌دهد (۸، ۹). به گونه ای، همسر و فرزندان بازماندگان جنگ در معرض اختلال پس از ضربه از نوع ثانویه و تمام تبعات روان شناختی و عاطفی آنها قرار می‌گیرند (۱۰). پژوهش‌های دیگر آشکار ساختند که، خشونت خانگی و بروز هیجان‌های خشم کنترل نشده نسبت به همسر به خستگی روانی

و عدم رضایت گسترده در زندگی همسر فرد جانباز منجر می‌شود و این امر بر تعامل دو سویه مادر و فرزند نیز اثرات مخربی را خواهد گذاشت (۱۱-۱۳). اثرات بلند مدت بی‌حسی عاطفی، خشم و نگرانی‌ها به مشکلات پایدار روان‌شناختی و عاطفی در فرزندان ختم می‌شود که می‌توان به حرمت به خود و خودکارآمدی پایین، افسردگی، احساس تحت کنترل بودن دائمی و اضطراب فراگیر اشاره کرد (۱۴، ۱۵). بر اساس آمارمنتشر شده توسط از دفتر آمار بنیاد جانبازان و ایثارگران در سال ۱۳۹۷، تعداد جانبازان ۴۳۹۱۳۰ هزار نفر می‌باشند. که از میان می‌توان به جانباز نخاعی، شیمیایی، اعصاب و روان و قطع عضو اشاره کرد. فرزندان بیش از آنها ۲۰ هزار نفر می‌باشند که عمدتاً در سنین نوجوانی و جوانی هستند (۱۶). در جنگ تحمیلی عراق علیه کشورمان، یکی از مسائل مهمی که کمتر به آن پرداخته شده، آثار و پیامدهای بلند مدت روان شناختی و عاطفی و تجربه زندگی دختران با پدر جانباز است. این دختران، با توجه به بیش از سه دهه از جنگ هم اکنون در دهه‌های ۲۰ و ۳۰ زندگی خود به سر می‌برند و نیازهای روان شناختی و عاطفی بیشماری همانند سایر هم‌تایان خود در این سنین دارند، اما نوع نگاه و تجربه زندگی با پدر جانباز تجربه‌های متفاوتی فرا روی آنها قرار داده است که بررسی عمیق و موشکافانه آن می‌تواند به شناخت بهتر نیازها، طرز تلقی‌ها و در نهایت کمک به آنها برای اتخاذ تصمیم‌های مهم در زندگی کمک کرد و در به کیفیت روانی و اجتماعی زندگی آنها یاری رساند. هر چند که پژوهش‌های کمی متعددی در کشور به مشکلات روان شناختی و عاطفی فرزندان جانبازان اختصاص یافته است، اما پژوهش کیفی که بتواند به تجربه عمیق زندگی این دختران بپردازد در کشور صورت نگرفته است. در این راستا مطالعه حاضر در نظر دارد تا به بررسی کیفی نیازهای روان شناختی و عاطفی دختران پیرامون زندگی با پدر جانباز پرداخته و عواملی که این فرزندان با تأثیرپذیری از روابط خاص خود با پدرشان به آنها دست یافته‌اند و باورها و عواملی که به عنوان بازنمایی ادراک این فرزندان از توانایی‌های شخصی شان مطرح است و همچنین کیفیت سازگاری آنان را به عنوان افرادی که تاکنون به نحوی با مسایل و آسیب‌های به جامانده از دوره جنگ درگیر هستند و آثار مخرب جنگ، سالها پس از اتمام این پدیده شوم در زندگی آنها قابل ردیابی است را بکاود. از این رو، این پژوهش با این پرسش اساسی انجام شد که، نیازها و تجارب روان شناختی و عاطفی دختران پیرامون زندگی با پدر جانباز چه بوده است؟

روش‌ها

این پژوهش از نوع کیفی می‌باشد که به شیوه پژوهشی پدیدارشناسی توصیفی انجام شد. در این نوع بررسی، پژوهشگر در پی تجربه‌های زنده افراد و به دنبال شناخت معنا و مفهوم پدیده‌ها از دیدگاه آنان بود (۱۷). جامعه پژوهش شامل، دختران با پدر جانبازی بودند در بنیاد جانبازان و ایثارگران شهر تهران در سال ۹۸-۱۳۹۷ پرونده داشتند. شرکت کنندگان در پژوهش به صورت نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند و داده گیری تا زمان رسیدن به اشباع ادامه یافت و در مجموع ۱۹ دختر مصاحبه شدند. معیارهای انتخاب شرکت کنندگان در پژوهش ۱- داشتن حداقل سواد دیپلم برای مصاحبه و قدرت فهم و درک مطالب مصاحبه، ۲- داشتن پدر جانباز ۳- دخترانی که تمایل به شرکت داوطلبانه در پژوهش داشتند. در بررسی‌های پدیدارشناسی، تا زمان اشباع در مورد مفهوم پدیده مورد بررسی بایستی نمونه گیری ادامه یابد؛ تا جایی که با افزایش حجم نمونه، حجم اطلاعات افزوده شده چشمگیر نباشد (۱۸، ۱۹). در این بررسی، به منظور رفع تورش در دیدگاه و استنباط فردی خود در تشخیص اشباع اطلاعاتی، افزون بر ادامه نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع اطلاعاتی، داده‌های گردآوری شده از آزمودنی‌ها در اختیار سه استاد مشاوره، روان شناسی و پرستاری قرار داده شد و تا تأیید کفایت اطلاعات گردآوری شده توسط هر سه نفر، نمونه‌گیری ادامه یافت.

برای جمع آوری اطلاعات از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد که با توجه به سؤالات کیفی پژوهش و متمرکز بر تجارب و نیازهای روان شناختی و عاطفی دختران از زندگی با پدر جانباز طرح‌ریزی و اجرا گردید. قبل از مصاحبه اطمینان حاصل شد که شرکت کنندگان در پژوهش با موضوع درگیری داشته‌اند و تجاربی در این زمینه داشتند. همچنین، بررسی شد که مصاحبه شونده با موضوع ارتباط برقرار کرده و قصد بیان نیازهای روان شناختی و عاطفی خود را دارد. نمونه ای از سؤالات شامل: در زندگی با پدر خود چه نیازهای روان شناختی و عاطفی را تجربه کردید؟ تصور می‌کنید زندگی با پدری جانباز چه تجربه‌هایی در زندگی به شما داد؟ در ابتدای مصاحبه پژوهشگر به معرفی خود و موضوع تحقیق پرداخت. حداقل زمان مصاحبه ۴۵ دقیقه و حداکثر ۶۵ دقیقه و در مجموع ۱۰۳۵ دقیقه بود. مصاحبه‌ها از اسفند ماه سال ۱۳۹۶ تا اواسط شهریور ۱۳۹۷ و در بازه زمانی هفت ماه به طول انجامید. برخی از مصاحبه‌ها به صورت حضوری و برخی به صورت تلفنی و با تعیین وقت قبلی برای ملاقات مشخص شدند. مکان مصاحبه در

دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال انجام شد. ابتدا اطلاعات دموگرافیک که شامل سن، تحصیلات، وضعیت تاهل، نوع مصاحبه، نوع جانبازی پدر، درصد جانبازی پدر و وضعیت اشتغال پدر ثبت گردید. سپس سوالات اصلی مصاحبه مطرح شد. پس از پایان هر مصاحبه، مصاحبه‌های ضبط شده پیاده سازی و آماده کدگذاری و تجزیه و تحلیل شدند. از روش هفت مرحله‌ای تحلیل محتوای کلایزی برای تحلیل یافته‌های پژوهش استفاده شد (۲۰). در مرحله اول، در پایان هر مصاحبه و یادداشت برداری میدانی، ابتدا گفتگوی ضبط شده شرکت کنندگان مرتباً گوش داده شد و اظهاراتشان کلمه به کلمه روی کاغذ نوشته شد و جهت درک احساس و تجارب شرکت کنندگان چندبار مورد مطالعه قرار گرفت. در مرحله دوم، زیر اطلاعات با معنی و گفته‌های مرتبط با پدیده مورد بحث خط کشیده شد و به این طریق عبارات مهم مشخص شدند. در مرحله سوم، مفاهیم استخراج شدند و بعد از مشخص کردن مقوله‌های طبقه بندی شده عبارات مهم هر مصاحبه سعی شد تا از هر عبارت، یک مفهوم که بیانگر معنی و قسمت اساسی تفکر شرکت‌کننده بود، استخراج شود. البته پس از کسب این مفاهیم تدوین شده سعی شد تا مرتبط بودن معنی با جملات اصلی و اولیه مورد بررسی قرار بگیرد و از صحت ارتباط بین آن‌ها اطمینان حاصل شد. در مرحله چهارم، پژوهشگر مفاهیم تدوین شده را به دقت مطالعه کرد و بر اساس تشابه مفاهیم، آنها را دسته بندی نمود. بدین گونه، دسته‌های موضوعی از مفاهیم تدوین شده تشکیل شدند. در مرحله پنجم نتایج برای توصیف از پدیده تحت مطالعه به هم پیوند خوردند و دسته‌های کلی تری را به وجود آمد. در مرحله ششم، توصیف جامعی از پدیده تحت مطالعه ارائه شد. در مرحله پایانی نیز اعتبار بخشی با ارجاع به هر نمونه و پرسیدن درباره یافته‌ها انجام می‌شود. به‌منظور دستیابی به صحت و اعتبار مطالعه معیارهای اعتبارپذیری (Credibility) و اعتمادپذیری با روش Lincoln و Guba مورد توجه و استفاده قرار گرفت (۱۸). با تأکید بر انتخاب بستر مناسب، همسوسازی (Triangulation) داده‌های حاصل از نتایج مصاحبه، با پژوهش‌های پیشین در حوزه جانباز و مسائل خانوداگی آنها و همچنین تجارب دختران با پدر جانباز و نظرات مشارکت‌کنندگان و همچنین مشارکت و تعامل نزدیک و مستمر و درگیر کردن مشارکت‌کنندگان در امر تفسیر، مراجعه مجدد به آنان و نیز مشخص نمودن هرچه واضح‌تر مراحل و چگونگی فرایندها به‌منظور سهولت در بررسی و درک آن توسط دیگران به این مهم پرداخته شد تا از اعتبار و صحت مطالعه، هر

اصلی و درون مایه مشخص گردید. در بررسی نتایج ۲۰ زیرمضمون اولیه و ۴ مضمون اصلی به دست آمد که در جدول ۲ آمده است.

مضمون اصلی اول: رنج دیدگی و تجربه‌های منفی در زندگی

۱-۱: تجربه درد کشیدن و بیماری پدر: فرزندان دختر جانبازان معتقد بودند که دیدن یک پدر بیمار در خانواده که همواره درد و ناراحتی را تحمل می‌کند از تجربه‌های بسیار دردناک بوده که زمینه را برای ناراحتی‌هایی مانند استرس فراهم می‌کند. به عنوان مثال؛ مصاحبه شوند شماره ۱۵ درباره وضعیت جسمانی پدر خود گفت "سرفه‌های شدید پدر بسیار نگران کننده است. اینکه شیها با سرفه‌های پدرت بیدار شوی این ناراحتی‌ها و دردها بسیار آزار دهنده است بخصوص وقتی سرما می‌خورد یک اضطراب و ناراحتی شدیدی را به اعضای خانواده وارد می‌کند مثل اینکه همیشه منتظر هستی الان اتفاقی می‌افتد."

۱-۲: تحمیل وظایف سنگین خانه به مادر و فرزند ارشد:

شرکت کنندگان در این پژوهش معتقدند که شرایط خاص پدر خانواده باعث شده است تا مادر خانواده بسیاری از نقش‌های پدری و مسئولیت‌های مردانه خانه را به دوش کشیده که علاوه بر رنج نگهداری از پدر جانباز، تربیت فرزندان و دیگر مسولیت‌های خانه و خانهداری باعث مشکلات جسمی و روحی در مادر شده است.

چه بیشتر اطمینان حاصل گردد. همچنین، از اساتید مرکز تحقیقات پرستاری دانشگاه علوم پزشکی گلستان برای انجام مرور توسط هم‌تایان (Peer Checking) کمک گرفته شد. رضایت نامه برای انجام مصاحبه‌ها و ضبط آنها، ورود و خروج داوطلبانه شرکت کنندگان، محفوظ ماندن نام و شماره‌ها و نشانی افراد از شرکت کنندگان به صورت کتبی اخذ شد. همچنین، مصاحبه‌های ضبط شده به طور کامل پیاده سازی شدند و نگارش کامل آنها انجام شد. پیاده سازی و نگارش مصاحبه‌ها توسط نویسندگان مقاله انجام شد.

ملاحظات اخلاقی: این پژوهش با شماره کد اخلاقی

۱۵۷۲۱۶۰۲۹۶۲۰۲۵ در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال به ثبت رسیده است.

نتایج

جدول ۱- اطلاعات جمعیت شناختی شرکت کنندگان به تفکیک سن، تحصیلات، وضعیت تاهل، نوع مصاحبه، نوع جانبازی پدر، درصد جانبازی پدر و وضعیت اشتغال نشان داده شده است. یافته‌های حاصل از پژوهش واکاوی نیازهای روان شناختی و عاطفی دختران جانبازان در قالب زیرمضمون‌های اولیه، مضمون‌های

جدول-۱. اطلاعات جمعیت شناختی شرکت کنندگان در پژوهش

شماره	سن	تحصیلات	مجرد یا متاهل	نوع مصاحبه	شغل	نوع جانبازی پدر	درصد جانبازی پدر	وضعیت اشتغال پدر
۱	۲۹	فوق لیسانس	مجرد	حضور	معلم	جسمی حرکتی	٪۵۵	بازنشسته
۲	۲۴	لیسانس	مجرد	حضور	دانشجو	اعصاب روان	٪۷۰	بازنشسته
۳	۲۵	لیسانس	مجرد	حضور	مری مهد کودک	جسمی حرکتی	٪۷۰	شاغل
۴	۱۸	دیپلم	مجرد	حضور	دانشجو	نابینا	٪۷۰	بازنشسته
۵	۲۴	فوق دیپلم	متاهل	حضور	خانه دار	شیمیایی	٪۷۰	بازنشسته
۶	۲۳	لیسانس	متاهل	تلفنی	کارمند	اعصاب روان	٪۵۰	بازنشسته
۷	۳۱	دانشجوی دکتری	متاهل	حضور	دانشجو	جسمی حرکتی	٪۵۰	شاغل
۸	۲۶	فوق لیسانس	مجرد	حضور	مری زبان	شیمیایی	٪۷۰	شاغل
۹	۲۹	فوق دیپلم	مجرد	حضور	حسابدار	اعصاب روان	٪۷۰	بازنشسته
۱۰	۲۴	لیسانس	مجرد	حضور	مری نقاشی	شیمیایی	٪۶۰	بازنشسته
۱۱	۲۸	فوق دیپلم	مجرد	حضور	دانشجو	شیمیایی	٪۴۰	بازنشسته
۱۲	۱۸	دیپلم	مجرد	حضور	دانشجو	جسمی حرکتی	٪۵۵	شاغل
۱۳	۲۲	دیپلم	متاهل	تلفنی	خانه دار	جسمی حرکتی	٪۳۵	شاغل
۱۴	۲۵	فوق لیسانس	مجرد	حضور	دانشجوی روان شناسی	جسمی حرکتی و شیمیایی	٪۷۰	شاغل
۱۵	۲۶	لیسانس	مجرد	حضور	مشاوره	جسمی حرکتی	٪۷۰	شاغل
۱۶	۲۵	فوق لیسانس	متاهل	حضور	مشاوره	شیمیایی	٪۷۰	بازنشسته
۱۷	۳۲	فوق لیسانس	متاهل	حضور	مشاوره	شیمیایی	٪۷۰	بازنشسته
۱۸	۳۰	دانشجوی دکتری	مجرد	حضور	دانشجو	شیمیایی	٪۴۰	بازنشسته
۱۹	۲۷	فوق دیپلم	مجرد	حضور	کارآفرین	جسمی حرکتی	٪۷۰	شاغل

جدول-۲. زیرمضمون‌های اولیه، مضمون‌های اصلی و درون مایه استخراج شده از واکاوی نیازهای عاطفی و روانی فرزندان دختر پیرامون زندگی با پدر جانباز

طبقات اصلی	طبقات اصلی	طبقات اولیه
زندگی در وهله‌های رنج و افتخار	رنج دیدگی و تجربه‌های منفی در زندگی	تجربه درد کشیدن و بیماری پدر تحمیل وظایف سنگین خانه به مادر و فرزند ارشد تجربه پرخاشگری‌های پدر ناتوانی در برقراری ارتباط موثر با پدر اثرات منفی جانبازی پدر بر سلامت جسمی و روانی فرزندان نشخوارفکری درباره اینکه چرا پدرم به جنگ رفت؟ مقایسه دائمی خود با بقیه دختران و خانواده‌ها احساس نگرانی از آینده نامعلوم
احساس شادمانی و غرور از داشتن پدر جانباز	داستن حس غرور و سر بلندی قهرمان پنداری پدر	
نگاه منفی و ناامیدانه از جامعه	عدم کفایت معاش و درآمد خانواده نگاه منفی و غرض ورزانه جامعه نسبت به مقوله جانبازی و موضوع سهمیه‌ها قوانین دو گانه دولت در برابر جانبازان عدم تناسب سازی محیطی برای تردد راحت تر جانبازان	
تداخل ارزشها و باورهای پدر با دختر	محدودیت های پوششی و معاشرتی اجبار برای ادامه راه و عقیده پدران دخالته پدران در حریم خصوصی دختران محدود کردن دختران در ادامه تحصیل در رشته های خاص امتناع از مطرح کردن موضوع جانبازی پدر در محیط دانشگاه یا محیط کار عدم شرکت در برخی اجتماعات	

عصر ساعت ۵ به خانه میرسم و تازه با پدرم مواجه می‌شوم. این قضیه بسیار آزار دهنده است."

۴-۱: ناتوانی در برقراری ارتباط مؤثر با پدر: دخترانی که تجربه زندگی با پدر جانباز را دارند معتقدند که پدران گاهی به دلایلی مانند وخامت اوضاع جسمی، تاثیرات بمب‌های شیمیایی، ناراحتی‌های اعصاب و روان و غیره قادر نیستند مانند دیگر پدران ارتباط مؤثری با فرزندان برقرار کنند. مصاحبه شونده شماره ۱۱ در این مهم گفت " پدران ما تحت استرس شدید بوده اند و اعصاب ضعیف دارند و این قضیه به شدت روی ما تاثیر می‌گذارد. من مدتی است که فکر می‌کنم خودم عصبی هستم و حتی دردهای جسمانی هم دارم تا عصبانی می‌شوم سردردهای شدید سراغ ام می‌آیند."

۵-۱: اثرات منفی جانبازی پدر بر سلامت جسمی و روانی فرزندان: تغییر شرایط جسمی پدر، بازنشستگی زود هنگام و زود رنج بودن پدر علاوه بر اینکه می‌تواند بر روحیات این دختران جوان تاثیر داشته باشد بر روحیات فرزندان کوچکتر نیز تاثیر منفی دارد. لذا مصاحبه شونده شماره ۱۶ اینطور گفت " بخاطر وضعیت جانبازی پدرم عصبی بودن، حساس بودن، تشنج و مریضی اش بر روحیات ما هم تاثیر گذاشته است. مثلا مادرم بسیار تحت فشار است چون تمام مسولیتها با اوست. من عصبی و پرخاشگر شدم و برادرم در سن نوجوانی استرس تحمل می‌کند. چون پدرم را روی

مصاحبه شونده شماره ۱۸ درباره وضعیت خانواده خود اینگونه توضیح میدهد " خیلی کارهای مردانه را مادرم انجام می‌دهد، مادرم فشار زیادی را تحمل می‌کند. عصبی شده که روی ما هم تاثیر دارد. من هم فرزند ارشد هستم و تا حدی این فشارها را درک می‌کنم. واقعا نمی‌خواهم زندگی مثل مادرم داشته باشم. مادرم هم بیمار می‌شود و پدرم هم شرایط مساعدی ندارد. این قضیه نوعی استرس ایجاد می‌کند."

۳-۱: تجربه پرخاشگری‌های پدر: دختران به واسطه شرایط سختی که پشت سر گذاشته اند و مشکلات جسمی پدر که با آن درگیر بودند دارای حالتهای مانند حساس بودن و زود رنج بودن، عصبانیت و پرخاشگری می‌باشند که بر فرزندان به خصوص در سنین نوجوانی تاثیر منفی دارد. در همین زمینه مصاحبه شونده شماره ۲ اینطور بیان می‌کند:

"پدرم الان ضعف و بیماری دارد. فکر می‌کند کوچک شده و ناتوان است. به همین خاطر با کارهایی مثل دخالت و امر و نهی سعی در اعمال قدرت و بیان کردن خودش دارد. پدرم کل خانواده را در دست گرفته و همه خواسته‌هایمان را باید به او بگوییم. در واقع شرایط جانبازی اش باعث این رفتارهاست. هم زود رنج هم عصبی است و هم اعمال قدرت می‌کند. مثلا من الان در سن کنکورم با هزار فکر و فشار و استرس بیرونی دست و پنجه نرم می‌کنم. اما پدرم فقط دخالت می‌کند و دستور می‌دهد. مثلاً من

۲) مضمون اصلی دوم: احساس شادمانی و غرور از

داشتن پدر جانباز:

۱-۲: داشتن حس غرور و سربلندی: دختران پدر خود را همیشه به عنوان یک قهرمان می شناسند و به کاری که در زمان جنگ کرده است ارج می نهند. لذا مصاحبه شونده شماره ۱ تجربیات خود را اینگونه بیان کرد " این که پدرم جانباز است حس قهرمان بودن به ما می دهد. فرزند جانباز بودن به واسطه رشادت پدرم احساس غرور در من ایجاد می کند"

۲-۲: قهرمان پنداری پدر: خیلی وقتها این حس غرور به قهرمان پنداشتن پدر هم منجر می شود. به عنوان مثال شرکت کننده ۱۲ گفت " خیلی وقتها احساس می کنم پدرم کار قهرمانه ای انجام داد و بهش افتخار می کنم. خوب حس و تصور کردن ایت شرایط حال ام را خوب می کند."

۳) نگاه منفی و غرض ورزانه جامعه:

۱-۳: عدم کفایت معاش و درآمد خانواده: بسیاری از شرکت کنندگان از مشکلات اقتصادی که گریبانگیر آنها شده است شکایت داشتند. مصاحبه شونده شماره ۵ در این مورد اینگونه توضیح داد که " پدر من الان یک حقوق بازنشستگی دارد. الان به خاطر جانباز بودن ایشان مشکلات مالی داریم. من و برادرم کار می کنیم. گاهی فکر می کنم اگر کار نمی کردیم واقعا از نظر مالی مشکل داشتیم. اگر پدر من سالم بود و این مشکلات جسمی را نداشت قطعاً شغل بهتری داشت."

۲-۳: نگاه منفی و غرض ورزانه جامعه نسبت به مقوله جانبازی و موضوع سهمیه ها: یکی از مواردی که به عنوان تجربه زندگی دختران با پدر جانباز مطرح شد برخورد بد برخی از مردم با جانبازان و خانواده های ایشان است. مصاحبه شونده شماره ۱۶ از تجربه زندگی خود اینگونه گفت " من این گلایه را دارم از تفکر مردم تفکر درباره سهمیه جانبازان سهمیه کنکور انگار حق بقیه را خورده ایم حتی معلمان کلاس کنکور هم صراحتاً این را بیان می کنند. بحث سهمیه برای جانبازان خیلی بد مطرح شده. همه تصور می کنند که ما خیلی راحت و در رفاه هستیم. عده ای هم می گویند: می خواستند نروند جبهه، رفته اند و پولش را هم گرفته اند. مثلاً من خواستگاران داشتم که به خاطر شرایط پدرم رفتند. این چیزها آدم را آزار می دهد."

۳-۳: قوانین دوگانه دولت در برابر جانبازان: از دیدگاه و تجربه های شرکت کنندگان در پژوهش وجود موارد ضد و نقیض در برخورد مسئولان و وضع موجود در دولت از جمله وجود دارد و

ویلچر و درگیر با بیماری های گوناگون می بیند."

۶-۱: نشخوار فکری فرزند درباره اینکه چرا پدرم به جنگ رفت؟ این فکر که چرا پدرم به جنگ رفت و اگر نمی رفت پدرم سالم و سر حال بود، همواره با افراد همراه است که خود می تواند تاثیر منفی بر روان افراد داشته باشد. در همین مورد مصاحبه شونده شماره ۴ معتقد بود " جانباز بودن پدرم هم تاثیرات مثبت و هم تاثیرات منفی دارد. به نظر من جنبه های منفی پدر جانباز داشتن بیشتر است. مشکلاتی مانند افسردگی و پرخاشگری و کابوس شبانه را نمی توان انکار کرد. گاهی می گویم کاش پدرم جانباز نبود. رفت جنگ عذاب کشید. الان عذاب می کشد. ما هم همینطور هم که رنج می بریم و انگار تمامی ندارد."

۷-۱: مقایسه دائمی خود با بقیه دختران و خانواده ها: مقایسه خود با دیگر دختران و خانواده خود با دیگر خانواده های دوستان و آشنایان و قیاس شرایطی مانند شرایط رفاهی، آسایش خانواده، سلامت پدر و غیره مواردی است که در ذهن دختران جانباز وجود داشته و از تجربیات مشترک قوی درباره زندگی با پدر جانباز است. مصاحبه شونده شماره ۱۷ در این مورد گفت " گاهی خودم را با دیگر فرزندان فامیل مقایسه می کنم که آنها وضع بهتر و زندگی بهتری دارند. مگر من چه از آنها کمتر دارم. زمانی که من بزرگتر شدم به مرور حال پدرم بدتر شد. به خواهر بزرگم می گویم خوش به حال شما که دورانی که پدر سالم بود با او زندگی می کردید." همچنین، مصاحبه شونده شماره ۹ شرایط را اینگونه توصیف کرد " ما خودمان را اینجوری با بقیه دخترها مقایسه می کنیم. چیزهای خیلی ساده برای دیگران برای ما یک حسرت است. مثلاً پدر دوستم کفش می خرد و راه می رود ولی پدر جانباز من روی ویلچر نه."

۸-۱: احساس نگرانی از آینده نامعلوم: تجربه دختران پیرامون زندگی با پدر جانباز با توجه به درصد جانبازی و نوع جانبازی آینده ای توأم با بیم و امید را در ذهن آنها ترسیم می کند. در همین تجربیات مصاحبه شونده شماره ۱۹ این طور بیان کرد " اینکه شما پدری جانباز داشته باشی که مثل بقیه پدرها نباشد یک حس نگرانی ایجاد می کند از اینکه فردا چه خواهد شد؟ همچنین، مصاحبه شونده شماره ۱۱ در این مورد اینطور گفت " پدرم به خاطر شرایط جسمی اش خیلی نگران آینده است. پدرم همیشه می گوید بعد از من حواستان به مادرتان باشد چون بخاطر شرایط جسمی - اش خودش را نزدیک شهادت می داند. این احساس نوعی نگرانی و بیم در ما ایجاد می کند."

ما را برای ادامه راه و عقیده پدر جانبازمان اجبار می‌کنند. پدر من هم یک فرد جانباز و مذهبی و خشک است. همیشه بین من و پدرم یک دیوار است."

۳-۴: دخالت پدران در حریم خصوصی دختران: مصاحبه شونده ۳ گفت "اعتقادات سفت و سخت پدر مدل زندگی و پوشش ما را تحت تاثیر قرار می‌دهد. از سوی دختران جانبازان اکثراً زود ازدواج می‌کنند و این در حالی است که ما در ازدواجهایمان شناخت کافی نداریم. متأسفانه به ما یاد داده‌اند که با ازدواج کردن خوشبخت می‌شویم. فرزندان جانبازان به خاطر شرایط زندگی‌شان روش زندگی کردن را بلد نیستند."

۴-۴: محدود کردن دختران به ادامه رشته‌های تحصیلی خاص: مصاحبه شونده ۱۰ گفت که "چه من چه دوستانم پدران ما اجازه نمی‌دهند به راحتی دنبال علاقه‌هایمان برویم. چرا؟ چون فرزند جانباز هستیم. به خاطر شان و مقام جانباز بودن و به خاطر تعصبات پدرم کنترل می‌شوم. اصلاً چرا از بین فرزندان جانبازان و شهدا هنرمند یا آرتیست نداریم؟ هنرمند و موسیقی دان و بازیگر نداریم؟ کاراته کار و ووشو کار نداریم."

۴-۵: امتناع از مطرح کردن جانبازی پدر در محیط دانشگاه یا محیط کار: برای مثال شرکت کننده ۹ در این باره گفت "فرزند جانباز بودن خیلی سخت است. شما نمی‌توانی بگویی فرزند جانبازم. نگاه‌ها در ۱۰ سال اخیر بد شده است. این واقعا آزار دهنده است. برخورد بقیه با ما بد است مثلاً در دانشگاه به خاطر بحث سهمیه و ... فکر بد می‌کنند. سال اول دانشگاه مطرح نکردم که پدرم جانباز است. چون واقعا نمی‌دانستم افراد چطور واکنش نشان می‌دهند."

۴-۶: عدم شرکت در برخی اجتماعات: در این باره مصاحبه شونده ۲ گفت: "برخی اوقات به دلیل باورهای پدرم ترجیح می‌دهم مراسم خاصی یا دعوت دوستان ام نپذیرم چون ناراحت می‌شود. مثلاً چند وقت پیش یکی از دوستان ام کنسرت دعوت کرده بود اما نرفتم. البته برخی اوقات در این جمع‌سوالاتی می‌شود که ترجیح می‌دهم در بسیاری از اجتماعات شرکت نکنم چون گاهی افراد درک ندارند و چون تجربه خوبی ندارم نمی‌خواهم یادآوری کنم. همه فکر می‌کنند ما رسیدگی‌های خاص دریافت می‌کنیم اما کسی نمی‌داند داشتن یک پدر سالم یعنی چه پدر سر حال یعنی چه."

زمینه مسایلی مانند بی‌اعتمادی به دولت، افسردگی، نگاهی توأمان با بیم‌و امید به آینده و دلزدگی عقیدتی وایدئولوژیکی را به همراه داشته باشد. در همین مهم مصاحبه شونده شماره ۸ از تجربه و دیدگاه خود اینگونه تعریف کرد "من آدم مذهبی و متعصبی نیستم اما شرایط جامعه و زندگی و اینکه به این میزان تناقض می‌بینم مرا آزار می‌دهد. آیا پدران ما رفتند که شرایط ما این گونه باشد؟ الان اوضاع مملکت را ببینید. از طرف دیگر نادیده گرفته شدن یک جانباز از طرف دولت و بیشتر از طرف مسولان حس ناامیدی ایجاد می‌کند. پدران ما به جنگ رفتند در این حال روزند، واقعا احساس بدی دارم، الان اگر همه ما کار نکنیم از نظر مالی مشکل خواهیم داشت، این چیزها درد است."

۳-۴: عدم تناسب سازی محیطی برای تردد راحت تر جانبازان: مشکلات تردد در شهر به ویژه برای جانبازان جسمی حرکتی از مشکلات عمده عدم حضور آنها در جامعه است. برای مثال مصاحبه شونده شماره ۳ در خاطرات خود بیان می‌کند که: گفت که "جانبازان از نظر رفت و آمد و میلمان شهری مشکل دارند. به خاطر مشکلات جسمی پدرم سفر رفتن خیلی سخت است. کلاً برای معلولان زندگی و تردد خیلی سخت است. در خیابان و ... گاهی که بیرون می‌رویم نگاه مردم خیلی آزار دهنده است."

۴) مضمون اصلی چهارم: تداخل ارزشها و باورهای پدر با دختر

۱-۴: محدودیت‌های پوششی و معاشرتی: از نگاه دختران، زندگی با یک پدر جانباز با عقاید ویژه و شرایط خاص زندگی محدودیت‌هایی در زمینه پوشش، معاشرتها، حضور در جامعه و جمع دوستان است. مصاحبه شونده ۸ اینگونه گفت "پدرم مذهبی است و عقیده دارد دختر زود ازدواج کند، بیرون نرود، سر کار نرود مثلاً این که ۸ شب خانه باشی یا به خاطر این که فرزند جانباز هستی توانی با دوستانت بیرون بروی و چون اعصاب پدرت ضعیف است نمی‌توانی با او بحث کنی. پدرم جانباز است و بسیار حساس و زود رنج. به خاطر مشکلات شیمیایی و جراحات جنگ نمی‌توانیم با او خیلی بحث کنیم."

۲-۴: اجبار برای ادامه راه و عقیده پدران: تاکید بر ادامه عقاید پدر و پایبندی به ارزشهایی که پدر برای آنها سلامتی خود را به خطر انداخته در تجربه‌های مصاحبه شونده ۱۲ گفت "من فکر می‌کنم دختران جانباز به شدت تحت تاثیر اعتقادات پدرانشان هستند. هم خودم و هم دوستانم در مدرسه شاهد را دیده‌ام. عملاً

بحث

مضمون دیگری که دختران با پدر جانباز بر آن تاکید داشتند تغییر نوع نگاه جامعه و حتی برخی از نهادهای دولتی به پدیده جانباز و جانبازی است و این دختران از اینکه دائم در معرض قضاوت قرار بگیرند بسیار آزاده بودند. در همین راستا، عنبری و اوپسی فردویی در پژوهش خود آشکار ساختند که از منظر جانبازان، ادبیات جانبازی دستخوش تغییرات گردیده و در بسیاری از موارد، تقدس و منزلت جانبازی به مجموعه‌ای از تعارفات، گفتارهای رسانه‌ای و تبلیغاتی تقلیل یافته است. در سطح جامعه، الگوهای رفتاری جدید ناهمخوان با فرهنگ ایثارگری گسترش یافته و تفسیر و قرائت‌های نوین اما متعارض با گفتمان ایثارگری به وجود آمده است. برحسب یافته‌ها، اکنون تحولات در گفتمان ارزشی جانبازی و ایثارگری، به رویکرد عمدتاً مادی و معیشتی منجر شده است، به میزانی که در جامعه رویکرد مادی و اقتصادی بر نگرش فرهنگی نسبت به جانبازان غلبه یافته است.

این تحول بر دغدغه‌های فرهنگی و دامنه انفصال و انزوای اجتماعی جانبازان و برخی از اعضای خانواده، خاصه همسر و فرزندان آنان نیز افزوده است (۲۲). دغدغه‌های روان شناختی و جسمانی که ریشه در عدم توجه به سلامت و رفتارهای خود مراقبتی در جانبازان دارد به مرور زمان می‌تواند به خانواده و اعضای آنها تسری یابد (۲۱، ۲۳) به نظر می‌رسد که، بررسی نیازهای روان شناختی و عاطفی دختران با پدر جانباز که هم اکنون در سن جوانی و برخی در سن ازدواج هستند باید مورد توجه ویژه توسط نهادها و نظام سلامت در کشور قرار بگیرد. اگر مشکلات روان شناختی و عاطفی این دختران همچنان لاینحل بماند یا این تصور وجود داشته باشد که نیازی به مطرح کردن آنها نیست، در آینده این دختران در زندگی فردی شان و ارتباط با همسر و فرزندان خود دچار مشکلاتی خواهند شد.

در انجام این پژوهش، پژوهشگر با مشکلاتی مواجه بود که زمان و بازه ضبط صداها و انجام مصاحبه‌ها به طول انجامید از جمله اینکه، بعضی اوقات شرکت کنندگان قبل از انجام مصاحبه، وقت را کنسل می‌کردند و می‌گفتند که پدرشان با مصاحبه مخالفت کرده است. همچنین، مصاحبه شونده‌ها صرفاً ساکن شهر تهران بودند. نظر به اینکه، مصاحبه‌ها و بخشی از پیاده سازی آنها به عهده محقق بوده است و ایشان از فرزندان جانبازان است، این مورد نیز از محدودیتهای پژوهش محسوب می‌شود.

نتیجه پژوهش آشکار ساخت که درون مایه اصلی مستخرج شده از مضامین "زندگی در وهله‌هایی از رنج و افتخار" است. نتایج مضمون‌های اصلی نشان داد که دختران با پدر جانباز تجربه زندگی متفاوتی از سایر هم‌تایان دختر خود که پدرانشان جانباز نبوده اند داشته اند. این تفاوت با شروع زندگی از کودکی تا جوانی به همراه آنها بوده است و به نیازهای روان شناختی و عاطفی گوناگونی و بعضاً متناقضی را در آنها برانگیخته است. در همین راستا، حسینی و اوپسی در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که نوع شکل گیری خانواده‌های جانبازان به دلیل شرایط روان شناختی و جسمانی آنها به صورت متعارف صورت نمی‌گیرد و افراد خانواده تجربه‌های زندگی متناقضی را در زندگی خود دارند. همچنین Ray و همکاران به این نکته مهم اشاره کردند که خانواده و فرزندان افراد از جنگ برگشته و جانبازان سردی عاطفی و طرد را دائماً در محیط خانواده تجربه می‌کنند (۳). این سردی عاطفی و جو خانوادگی طرد شده به کاهش تاب آوری فرزندان در برابر استرس دامن زده و می‌تواند آنها در برابر آسیبها و مشکلات فرا روی زندگی شکننده کند (۴، ۵).

Finklestein در پژوهش خود نشان داد که، خانواده‌های که تحت فشارهای جنگ و ترور بوده اند در معرض خطر بالاتری از مشکلات روان شناختی در دوره‌ها یا چرخه‌های متعدد زندگی هستند که می‌تواند از کودکی تا بزرگسالی فرزندان را دربربگیرد (۸). Lester و همکاران در پژوهش خود آشکار ساختند که مداخله‌های پیشگیرانه و درمانی روان شناختی و مددکاری اجتماعی برای این خانواده و به ویژه فرزندان آنها بسیار ضروری است. زیرا هر فاجعه‌ای می‌تواند نسل‌های بعدی را متأثر از خود کند و افراد خانواده به عنوان کسانی که در معرض آسیبهای ثانویه اختلال استرس پس از ضربه هستند، همان استرس‌ها، مشکلات افسردگی، اضطراب فراگیر و نگرانی‌ها را در زندگی شان تجربه می‌کنند (۱۱). فشارهای ناشی از مراقبت روانی و ذهنی از فرد جانباز مادر یا همسر را که به عنوان مراقب اصلی خانواده است تحت فشارهای فزاینده‌ای قرار می‌دهد به گونه‌ای که در ارتباط مادر با فرزندان نیز تاثیر منفی می‌گذارد. همچنین، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که سطح خشونت و پرخاشگری به ویژه خشونت‌های خانگی نسبت به همسر در خانواده‌های از جنگ بازگشته و جانباز بسیار بیشتر از سایر خانواده‌ها می‌باشد (۱۳، ۱۴).

نتیجه‌گیری

واکاوی عمیق نیازهای روان‌شناختی و عاطفی دختران پیرامون زندگی با پدر جانباز بیانگر پاره‌ای از آسیب‌های روان‌شناختی و عاطفی ماندگار است که در مرحله نخست به نگرانی‌ها و خشم تجربه شده در روابط پدران با دختران آنها بروز می‌کند و سپس به سایر اعضای خانواده تسری می‌یابد. تاثیر منفی شرایط پدر بر سلامت جسمی و روحی خانواده، به کاهش تعامل مؤثر اعضای خانواده با یکدیگر و تعارض شدید بین حس افتخار از داشتن پدری جانباز از یک سو و احساس خستگی روانی به دلیل ناامیدی و غم از سوی دیگر در دختران جانبازان تجربه می‌شود. بخشی از این تداخل احساسات و نیازهای خانواده با یکدیگر به دلیل عدم آشنایی افراد خانواده برای تمایز قائل شدند بین مشکلات یکدیگر است. همچنین، واقعیت پنداشتن و ارج گذاشتن نیازهای دختران با پدر جانباز باید مورد توجه نظام سلامت کشور به عنوان تبعات رنج آور جنگ تحمیلی بر نسل‌های آینده قرار بگیرد.

نکات بالینی کاربردی برای جوامع نظامی

- آگاهی و شناخت از تجارب و نیازهای منحصر به فرد دختران جانبازان برای درک بهتر مشکلات زندگی آنها
- توجه به وضعیت جو خانوادگی حاکم بر زندگی جانبازان و فرزندان آنها
- ضرورت به کارگیری مداخله‌های مشاوره و روان‌درمانی در ارتقای سلامت روان دختران جانبازان

تشکر و قدردانی: نویسندگان از تمامی شرکت‌کنندگان در پژوهش و بنیاد امور جانبازان و ایثارگران شهر تهران برای همکاری صمیمانه آنها در انجام این پژوهش تشکر و قدردانی می‌کنند. همچنین از همکاران مرکز تحقیقات پرستاری دانشگاه علوم پزشکی گرگان برای Peer Checking یا مرور توسط هم‌متایان تشکر و قدردانی می‌شود.

تضاد منافع: هیچ گونه تضاد منافی توسط نویسندگان بیان نشده است.

منابع:

1. Khodabakhshi-koolae A, Tekaei Marof A, Navidian Ali. Efficacy of Eye movement Desensitization and Reprocessing (EMDR) on Post-Traumatic Stress Disorder (PTSD) among male veterans. *Journal of Military caring Science*. 2016;3(1):1-9.
2. Link PE, Palinkas LA. Long-term trajectories and service needs for military families. *Clinical child and family psychology review*. 2013;16(4):376-93.
3. Ray SL, Vanstone M. The impact of PTSD on veterans' family relationships: An interpretative phenomenological inquiry. *International Journal of Nursing Studies*. 2009; 46(6): 838-47.
4. Wadsworth SM. Understanding and supporting the resilience of a new generation of combat-exposed military families and their children. *Clinical child and family psychology review*. 2013;16(4):415-20.
5. Patel BR. Caregivers of veterans with "invisible" injuries: What we know and implications for social work practice. *Social work*. 2014;60(1):9-17.
6. Mogil C, Hajal N, Garcia E, Kiff C, Paley B, Milburn N, et al. FOCUS for early childhood: A virtual home visiting program for military families with young children. *Contemporary family therapy*. 2015;37(3):199-208.
7. Vaughn-Coaxum R, Smith BN, Iverson KM, Vogt D. Family stressors and postemployment mental health in single versus partnered parents deployed in support of the wars in Afghanistan and Iraq. *Psychological services*. 2015;12(3):241.
8. Finklestein M. Risk and resilience factors in families under ongoing terror along the life cycle. *Contemporary Family Therapy*. 2016;38(2):129-39.
9. Khodabakhshi Koolae A. Patterns of family therapy and parent education. 3rd ed. Tehran: Jungle; 2018.
10. Duranceau S, Fetzner MG, Carleton RN. The home front: Operational stress injuries and veteran perceptions of their children's functioning. *Traumatology*. 2015;21(2):98.
11. Lester P, Paley B, Saltzman W, Klosinski LE. Military service, war, and families: Considerations for child development, prevention and intervention, and public health policy—Part 2. *Clinical child and family psychology review*. 2013;16(4):345-7.
12. Aronson KR, Perkins DF, Olson J. Epidemiology of partner abuse within military families. *Journal of Family Social Work*. 2014;17(4):379-400.
13. Beks TA, Cairns SL. Contexts precipitating help-seeking among partners of veterans with posttraumatic stress disorder: A qualitative exploration. *Traumatology*. 2018;24(4):313.
14. MacDonell GV, Bhullar N, Thorsteinsson EB. Depression, anxiety, and stress in partners of Australian combat veterans and military personnel: a comparison with Australian population norms. *Peer J*. 2016;4:e2373.
15. Semigina T. Frustrations or moving forward? Ukrainian social work within the 'hybrid war' context. *European Journal of Social Work*. 2019;22(3):446-57.
16. The number of Iranian Veterans in Iraq and Iran war, <http://www.isaar.ir/Main/index.asp>
17. Colaizzi PF, Valle R, King M. Existential phenomenological alternatives for psychology. *Psychological research as the phenomenologist views it*. 1978:48-71.

18. Shosha GA. Employment of Colaizzi's strategy in descriptive phenomenology: A reflection of a researcher. *European Scientific Journal, ESJ*. 2012;8(27).
19. Satvat A, Khodabakhshi-Koolaee A, Falsafinejad MR, Sanagoo A. Title: Identifying the challenges Marriage of Person with Physical-Motor Disabilities in Tehran: A phenomenological study. *Iranian Journal of Rehabilitation Nursing*. 2019;5(2):55-62.
20. Cope DG. Methods and meanings: credibility and trustworthiness of qualitative research. *In Oncology nursing forum*. 2014; 41(1): 89-91.
21. Oveisi GH., Hosseini SH. The family living experienced among Spinal injuries cord veterans in the war between Iran and Iraq (A qualitative study). *Sociological Review*. 2018; 24(2): 569-592.
22. Anbari M, Oveisi fardoei GH. Cultural and identity challenges of Janbazan (Veterans) in the Imposed War. *Sociological Review*. 2013;19(2):113-140.
23. Khalili R, Sirati Nir M, Fallahi khoshknab M, Mahmoudi H, Ebadi A. Explanation of the Self-Care Barrier Factors in Veterans with Chronic Post-Traumatic Stress Disorder Caused by War: A Qualitative Study. *J Mil Med*. 2018;20(5):527-537.